بسمی المنادی بین الأرض و السّمآء

ذکر من لدنّا لمن اقبل الی المذکور اذ اتی الوعد و ظهر الموعود بسلطان مبین هذا یوم لا یذکر فیه الّا هو یشهد بذلک کتب اللّه من قبل و من بعد و هذا اللّوح العظیم هذا یوم فیه ماج بحر البیان و انار افق العرفان بما استوی مالک القدم علی العرش الأعظم و هدرت حمامة البیان علی اعلی الأغصان قد اتی المالک و الملک للّه المقتدر العلیم الحکیم لا یعزب عن علمه من شیء یسمع و یری و هو السّمیع البصیر

 قد حضر کتابک لدی المظلوم و عرضه العبد الحاضر لدی الوجه اجبناک بآیات اذ نزّلت من سمآء البرهان خضعت لها کتب الأرض یشهد بذلک من ینطق فی کلّ شأن انّه لا اله الّا انا العزیز الکریم کن ناطقاً بذکری و متوجّهاً الی انوار وجهی و متمسّکاً بحبلی و قائماً علی خدمة امری العزیز البدیع انّا اسمعناک و عرّفناک و اریناک و هدیناک الی صراطی المستقیم اشکر اللّه بهذا الفضل الأعظم و قل

 لک الحمد یا الهی و سیّدی و سندی بما دعوتنی الیک و سقیتنی کأس الحضور من ید عطائک و جعلتنی مقبلاً الی افقک الأعلی اذ اعرض عنه علمآء الأرض کلّها اسألک بآیاتک الکبری و بالاسم الّذی به جرت سفینة البیان علی بحر الأسمآء ان تجعلنی فی کلّ الأحوال ناطقاً بثنائک بین عبادک بحیث لا تمنعنی سطوة الفراعنة و لا شوکة الجبابرة انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الّا انت القویّ الغالب القدیر

 قد اسمعناک آیات ربّک بلسان عربیّ مبین و نرید ان نسمعک بلسان عجمیّ بدیع اگر عباد ارض بر عظمت یوم و عظمت امر آگاه شوند کل از ما سوی اللّه منقطع گردند و ببحر اعظم که امام وجوه امم ظاهر و هویداست توجّه نمایند اوهام عباد را از مالک ایّام محروم نموده هر حزبی بوهمی متمسّک و از انوار نیّر یقین محروم و ممنوع هزار و دویست سنه و ازید بلعن و سبّ یکدیگر مشغول الفت و ایتلاف مفقود و اختلاف مشهود هر حزبی طریقی اخذ نمود و هر قومی سبیلی ترتیب داد ان تعدّوا طرق الأوهام لا تحصوها آیات بشأنی نازل که عالم را احاطه کرده و بیّنات اعلامش در لوح رئیس و سور ملوک مرتفع و هویدا اقتدار قلم اعلی و نفوذ کلمهٴ علیا نزد اهل بصر و اصحاب منظر اکبر واضح و مشهود از اوّل امر این مظلوم وحده من غیر ستر و حجاب بأعلی النّدآء امرا و وزرا و علما و فقها و حکما کل را بافق اعلی دعوت نمود مع‌ذلک عباد غافل جاهل متنبّه نشده‌اند و از بحر آگاهی نیاشامیده‌اند از اوّل ابداع تا حین شبه این ظهور ظاهر نه یشهد بذلک کتب اللّه المهیمن القیّوم لازال این یوم عند‌اللّه مخصوص بوده العجب کلّ العجب از غفلت عباد و ظلم من فی البلاد از حقّ میطلبیم عباد خود را از فیوضات یوم جزا محروم نفرماید و از اصغاء کلمهٴ خود و مشاهد‌ۀ افق منع نکند باب عدل را بمفتاح فضل بگشاید و اهل انصاف را ظاهر فرماید و باستقامت کبری مزیّن نماید که شاید خلق را از جهل نجات دهند و بحقّ کشانند الأمر بیده یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید

 و نذکر اخاک الّذی سمّی بمهدی و نبشّره بعنایة اللّه ربّ العالمین یا مهدی بشنو ندای مظلوم را از اوّل ایّام تا حین در دست اعدا مبتلا وارد شده آنچه که اهل جنّت علیا گریستند و اهل فردوس اعلی نوحه نمودند این مظلوم مقصّر در خاتم انبیا تفکّر نما بر آن حضرت وارد شد آنچه که افئدهٴ مقرّبین و اکباد مخلصین را گداخت از برای صاحبان سمع یک آیه کافی بوده و هست ما ارسلنا من رسول الّا کانوا به یستهزئون در عیسی بن مریم تفکّر کن ظلم بمقامی رسید که حقّ جلّ جلاله او را بآسمان چهارم برد بشنو ندای مظلوم را و سمع را از آنچه شنیده‌ئی مقدّس نما و همچنین بصر را و بعد بچشم انصاف و گوش مقدّس ببین و بشنو آیات در هر مقام موجود و بیّنات واضح و مشهود آثارش بمثابۀ آفتاب لائح ولکن منصفین بمشاهدۀ انوار فائز امروز مکلّم طور بر عرش ظهور مستوی و ناطق طوبی لمن سمع و رأی و ویل للغافلین

 و نذکر فی هذا المقام ضلعک و نسأل اللّه تعالی ان یؤیّدها و یوفّقها علی الاستقامة علی حبّه انّه علی کلّ شیء قدیر یا امةاللّه جمیع عالم از برای عرفان جمال قدم از عدم بوجود آمده‌اند و باین یوم مبارک در کتب و زبر و صحف وعده داده شده‌اند علمای ایران در لیالی و ایّام بذکر مالک انام مشغول و بر منابر به عجّل اللّه فرجه ناطق و چون عالم بانوار نیّر ظهور منوّر کل بر اعراض قیام نمودند و بالأخره بر سفک دم مطهّرش فتوی دادند و تو از فضل و رحمت و عنایتش اقبال نمودی و از رحیق حبّش آشامیدی قدر این مقام و مبلّغ را بدان یعنی نفسی که ترا راه نمود و آگاه فرمود اشکری ربّک و قولی

 لک الثّنآء یا مولی الأسمآء و لک البهآء یا مالک العطآء بما هدیتنی الی صراطک و عرّفتنی مشرق آیاتک و مطلع بیّناتک و سقیتنی کوثر حبّک بأیادی فضلک اسألک ان تکتب لی من قلمک الأعلی ما کتبته لامائک اللّائی تمسّکن بعروة احکامک و بحبل اوامرک انّک انت الّذی شهد بقدرتک لسان العظمة لا اله الّا انت المقتدر المهیمن علی ما کان و ما یکون

 انّا للّه و انّا الیه راجعون

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۶ مارس ۲۰۲٣، ساعت ۶:٠٠ بعد از ظهر